

آیا امام زمان دارای زن و فرزند هستند؟

ازدواج امام زمان (علیه السلام)

مقدمه

یکی از مباحث پیرامون شخصیت حضرت مهدی (عج) ، زندگی شخصی و خانوادگی آن حضرت است ، سخن از ازدواج یا عدم آن و داشتن فرزند و مکان زندگی و وضعیت زندگی اولاد او و کیفیت زندگی آن حضرت از بحثهای جدایی است که احیاناً در اذهان بسیاری از معتقدان به او ابهاماتی وجود دارد ، که معمولاً با جوابهای ضد و نقیضی نیز مواجه میشوند .

اساساً غیبت طولانی آن حضرت از نگاه زندگانی شخصی و خصوصی وی این سؤال را بوجود میآورد که آیا در این مدّت ، حضرت مهدی (علیه السلام) ازدواج کرده است یا خیر؟

برخی این سؤال را به صورت اشکال مطرح کرده و میگویند: اگر ازدواج کرده و همسر دارد ، لازمهاش داشتن فرزند است ، و لازمه این نیز فاش شدن اسرار و شناسایی آن حضرت است ، که با حکمت و فلسفه غیبت منافات دارد .

و اگر ازدواج نکرده است ، پس به سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و به امر شرعی مستحب عمل نکرده است ، که اینهم با مقام و شأن آن حضرت نمیسازد ، زیرا وی رهبر دینی مردم است و در عمل به مستحبات همچون واجبات ، باید پیشقدم باشد ، و فرض وجود امامی که مستحب مؤکد شرعی را ترک کند ، و در واقع عمل مکروهی را انجام دهد بسیار مشکل ، و جای استبعاد دارد .

پس اگر ازدواج نکرده باشد اشکال ترک مستحب از طرف معصوم ، و اگر ازدواج کرده باشد اشکال فاش شدن اسرار و تضاد با فلسفه غیبت پیش می آید ، و چون طرفین قضیه با اشکال مواجه است ، عدهای چنین نتیجهگیری میکنند که اصلاً آن حضرت وجود ندارد .

نکته دیگر این که اصل ازدواج یا عدم ازدواج آن حضرت جزء اعتقادات ما نیست ، بلکه از مسائل شخصی است

که در روایات نیز به آن تصریح نشده ، و مورد بحث امامان قبلی نیز نبوده است ، و کسانی هم که در دوران غیبت توفیق درک حضور آن حضرت را داشته اند آن قدر سؤالات و مشکلات در ذهنشان بوده است که به اینگونه سؤالات نرسیده‌اند .

در دوران غیبت صغری نیز از نائبان خاص ، در این زمینه سخنی شنیده نشده است .

از سوی دیگر ذهن انسان در کنار سؤال از ازدواج حضرت مهدی (علیه السلام) ، سؤالات دیگری نیز میسازد از جمله این که :

آیا امام مهدی (علیه السلام) دارای فرزند است؟

آیا مکان خاصی برای زندگی وی و فرزندانش وجود دارد؟

آیا فرض وجود فرزند و همسر برای آن حضرت با حکمت و فلسفه غیبت سازگاری دارد؟

و در صورت ازدواج نکردن ، آیا بر خلاف سنت و دستور پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عمل نکرده است؟

و سؤالات دیگری که این مقاله در صدد جواب دادن به بعضی از آنهاست .

بنابراین ، پس از طرح سؤال اصلی و بیان دیدگاههای متفاوت و دلائل آنها ، و نیز بررسی دلائل ، سعی میشود تا به نتیجهای مناسب و جامع برسیم .

آیا حضرت مهدی (علیه السلام) ازدواج کرده و دارای فرزند میباشد؟

در پاسخ به این پرسش ، با توجه به مسائل اعتقادی مانند: حکمت یا فلسفه غیبت ، و نیز مسائل فقهی همچون استحباب شرعی ازدواج ، و متونی که مستقیم یا غیر مستقیم دلالت بر ازدواج آن حضرت دارند ، سه نظریه وجود دارد :

- نظریه اول : عدهای معتقدند که حضرت مهدی (علیه السلام) ازدواج کرده است ، و برای اثبات این نظریه دلائل ذیل استناد جسته اند .

الف: استحباب ازدواج :

ازدواج و نکاح در اسلام مستحب مؤکد و سنتی نبوی است ، پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نسبت به امر ازدواج و ترویج آن تأکید داشته ، و امت خود را به این امر تشویق و ترغیب میکردند ، و بارها فرموده‌اند: «نکاح کنید و با تشکیل خانواده بر تعداد خود بیافزایید ، که من در روز قیامت به شما اگر چه فرزندی سقط شده باشد مباحثات میکنم»^[1]

در احکام دین ازدواج سنتی حسنه و مورد تأیید ، و عزوبت (همسر نداشتن و مجرد بودن) مکروه است .

و از طرفی ازدواج نکردن ، اعراض از لسانت و سواچرا خنک (آن صلحی بر طلاله (علیه و آله) است
اعراض کند (روی برگرداند و ازدواج نکند) از من نیست [21]

اکنون که سالیان متمادی از عمر حضرت مهدی (علیه السلام) میگذرد ، آیا می توان گفت: او مستحب مؤگد
را ترك ، و مرتكب مكروه شده است؟

هرگز نمیتوان اینگونه نتیجه گرفت ، چرا که او امام است ، و در عمل به مستحبات شرعی از همه مردم
سزاوارتر است ، پس او ازدواج کرده و دارای همسر میباشد .

در کتاب «النجم الثاقب» در پاسخ منکرین وجود اهل و عیال برای امام مهدی (علیه السلام) چنین آمده است:
«چگونه ترك خواهند کرد ، چنین سنت عظیمه جد اکرم خود را با آن همه ترغیب و تحریص که در فعل آن و
تهدید و تخویف در ترك آن شده ، و سزاوارترین امت در اخذ به سنت پیغمبر امام هر عصر است ، و تاکنون
کسی ترك آن سنت را از خصائص آن حضرت نشمرده است [3]

و نیز در کتاب «الشموس المضيئة» آمده است: «اگر در این زمینه (داشتن همسر و خانواده) هیچ نقل روایی
وجود نداشت ، و فقط همین مطلبي که آن حضرت با وجود سن زیاد از نظر جسمی جوانی قوی البنيه است...
و نیز میدانیم که آن حضرت به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل میکند ، در قبول این مطلب که
آن جناب همسر و فرزندی دارد کافی بود» [4]

- نقد و بررسی :

دلیل مزبور شامل دو قسمت است :

قسمت اول: ازدواج سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ، و امري نیکو و مستحب شرعی است .

قسمت دوم: امام زمان (علیه السلام) لزوماً به این سنت و امر شرعی عمل میکند .

هر دو مقدمه نیازمند بررسی و تأمل است .

اما استحباب ازدواج ([5] از) آیات و روای
فراوانی استفاده میشود و آید: (آیه الشوریة) «مَمْلُوكًا مِّنْكُمْ وَ مِنَ النِّسَاءِ» [6]
و همچنین در حدیثی از رسول خدا (علیه و آله) آمده است: «عِبَادِي وَ مَا
و نوالله هدیه و گوئی اولاد با خود و گوئی اولاد با خود و گوئی اولاد با خود و گوئی اولاد با خود» [8]
(وسلم) شمرده شده است .

در اهمیت و تشویق به ازدواج چنین آمده ، اسبی: نیز هر اما که سواچرا خنک (علیه و آله) است
است

و همچنین^[12] در (روایات مقابل ازدواج یعنی ترك ازدواج مذمت شد (علیهم السلام) امری مکروه و ناپسند اینمردم روایا شده نیز است به (قرینه^[13]) ازدواج دارند .

با توجه به آیات و روایات فوق و وجود کلمات امر مانند «انکحوا» در آیات ، و تشویق به ازدواج در روایات ، و توصیه کردن در عمل به سنت رسول خدا ، فقهای بزرگوار اسلام ، استحباب شرعی ازدواج را استنباط کرده و بر طبق آن به استحباب (و^[14]) بعضی به مؤکد فتوی داده‌اند ، و برخی آن را در شرایطی واجب میدانند .^[15]

و از سوی دیگر از عمومات و اطلاقات ادله استحباب ازدواج بدست می‌آید که

اولاً: ازدواج چه به صورت دائم و چه به صورت غیر دائم (موقت) مستحب شرعی است .

ثانیاً

استحباب ازدواج مخصوص مشتاقان و کسانی که نیازمند به همسر میباشند نیست ، بلکه شامل غیر مشتاقان و کسانی که در خود احساس نیاز به همسر نمیکنند نیز میباشد^[16] .

چرا که علت این حکم شرعی در اشتیاق به جنس مخالف و یا اطفاء (خاموش کردن) غریزه جنسی خلاصه نشده است ، تا گمان شود ازدواج برای غیر مشتاقان استحباب ندارد ، بلکه مواردی از قبیل: تکثیر نسل ، و ابقاء نوع انسانی ، و کثرت تعداد مؤدین ، در استحباب شرعی ازدواج دخالت دارند^[17] .

پس اگر ازدواج برای تأمین این اغراض هم باشد ، از جهت شرعی مستحب است ، و دارای مطلوبیت شرعی است .

بدیهی است که استحباب ازدواج فقط مختص به ازدواج دائم نیست ، بلکه شامل غیر دائم و ملك یمین (کنیزان) نیز میشود .^[18] همین جهت اینگونه به نظر میرسد که تحقق يك مرتبه از ازدواج در طول عمر برای عمل کردن به این مستحب^[19] .

اما با تأمل در روایاتی که در آن عزوبت (همسر نداشتن) مکروه دانسته شده است^[20] حتی برای مدتی اندک

معلوم میشود که مقصود از استحباب ازدواج ، استمرار آن تا پایان عمر است .

پس عمل کردن به استحباب ازدواج در صورتی کافی است که استمرار و دوام داشته باشد نه فقط صرف تحقق آن ، همانطور که این استحباب فقط به داشتن يك همسر نیست بلکه تعدد آن نیز مستحب شرعی است .

[21]

بنابراین در باره مقدمه اول (ازدواج سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ، و امری مستحب است) چنین نتیجه میگیریم :

ازدواج مستحب شرعی است ، خواه نیاز به ازدواج باشد و خواه نباشد ، خواه دائم و خواه موقت .

این

2

استحباب دوام و استمرار دارد ، و شامل تمام عمر انسان میشود .

تعدد

3

همسر نیز مستحب شرعی است .

و اما مقدمه دوم (لزوم عمل امام (علیه السلام) به امر شرعی و سنت رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)) در اذهان سؤالاتی را به وجود میآورد ، از جمله اینکه :

با کثرت امور مستحبی ، آیا امام (علیه السلام) به همه آنها عمل میکند؟ یا اینکه از آن امور انتخاب کرده و گزینشی عمل میکند؟ آیا لزوم عمل به امور مستحب برای امام ضروری است؟

بدون تردید امامان مانند پیامبران چون هدایت مردم را بعهدہ دارند ، و رهبران الهی محسوب میگردند ، همیشه در عمل به احکام الهی پیشقدم بودهاند ، و اساساً رسالت آنان ایجاب میکرد که اول خودشان عامل به احکام الهی باشند ، و از دستورات الهی سرپیچی نکنند ، و در صحنه عمل برای دیگران الگو و نمونه باشند ، لذا عمل نکردن به اوامری که حکایغواه از واجبهویبوی خنواه خلووتحب دار (برای) برآن شأن و رسالت آنان به دستورات واجب و مستحب عمل کنند ، پس امام (علیه السلام) نیز به آنها عمل میکند .

بنابراین ، دو نکته در لزوم عمل کردن امام به مستحبات وجود دارد .

1

هدایت و رهبری و الگوی کامل بودن برای مردم که ایجاب میکند امام در زندگی و معاشرت و در برخورد با دیگران به نحو احسن عمل کند ، و در عمل به دستورات دینی (واجب و مستحب) پیشقدم باشد .

2

اقتضای شأن و منزلت انسان کامل ایجاب میکند که به مستحبات عمل کند ، بدون تردید نکته اول در زمان غیبت امام (علیه السلام) موضوعیت ندارد ، زیرا امام (علیه السلام) در مرأی و منظر مردم نیست ، و امامت وی در باطن است ، نه در ظاهر . نکته [22] دوم در (مطلوب) امام پایبند به مستحبات شرعی است . دیگران است) کافی است .

با توجه به دو مقدمه‌ای که گذشت ، عده‌ای معتقدند که امام زمان (علیه السلام) در عصر غیبت ازدواج کرده و صاحب همسر و فرزند است .

ب: استدلال به روایات :

دلیل دیگر معتقدین به ازدواج حضرت مهدی (علیه السلام) تمسک به بعضی از روایات است ، از جمله :

1 -

مفصل بن عمر از امام صادق (از علیکان اللولام هیچ) نقل از کرده اولاد است و کیگران فرموط
، در این روایت وقتی که سخن از جا و مکان و محل زندگی آن حضرت^[23] میشود ، امام
صادق

(السلام

میفرماید: کسی از مکان او اطلاع ندارد حتی اولادش ، پس معلوم میشود او اولاد دارد ، و
داشتن اولاد حاکی از ازدواج امام است .

اما با تأمل در این روایت نکاتی به نظر میرسد که مانع از استدلال بر ازدواج آن حضرت است ، آن نکات
عبارتند از :

الف - این روایت در کتاب الغیبه نعمانی نیز نقل شده است ، با این تفاوت که به جای کلمه «ولد» کلمه «ولی»

آمده است : «

علي موضعه أحد من أولاد علي و هو ولي غير ولي
یعنی دوست و غیر دوست ،

مکان او خبری ندارند ، و نمیدانند او کجاست .

در این روایت هیچ سخنی از فرزند و فرزندان نیست ، بنابراین ، با توجه به این نقل اعتمادی بر آن روایت نیست .

ب - در روایت سخن از فرزند است ، ولی از این جهت که بگویم الآن امام (علیه السلام) دارای فرزند و
همسر باشد نیست ، و به اصطلاح مجمل است ، چرا که امکان دارد منظور فرزندان باشند که در آستانه ظهور
و یا پس از ظهور امام (علیه السلام) به دنیا میآیند .

ج - ممکن است این روایت و امثال آن بیانگر مبالغه در خفاي شخص باشد ، یعنی هیچ کس نمیداند که او در
کجاست ، حتی اگر دارای فرزند هم باشد ، فرزندان نیز از جایگاه او اطلاع ندارند^[25] .

د - از جهت سند مخدوش است ، زیرا یکی از راویان آن ابراهیم بن مستنیر و در جای دیگر عبد الله بن مستنیر
است و هر دو مجهولاند .

با توجه به نکات فوق ، استدلال بر ازدواج امام (علیه السلام) در عصر غیبت مشکل ، بلکه بعید به نظر
میرسد .

ن - سید ابن طاوس از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده است که فرزندانش
فرزندان

ذریه و تمام پیروانش فراهم^[26] »

در این روایت سخن از خانواده و فرزندان آن حضرت است ، ولی چون معلوم نیست که وجود این فرزندان پیش
از ظهور است یا پس از آن ، از این جهت مجمل است ، و نمیتوان به آن استناد کرد .

و - ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: «گویا میبینم که قائم ما با خانواده‌اش در مسجد سهله اقامت گزیده است ، ابو بصیر می گوید: گفتم منزلش آنجاست؟ فرمود: آری. گفتم: فدایت شوم! قائم همیشه در آن مسجد است؟ فرمود: [27]

این روایت نیز دلالت بر وجود فرزند برای امام (علیه السلام) پیش از ظهور ندارد ، و چه بسا مرادش اولاد آن حضرت پس از ظهور باشد ، همانطور که از سیاق کلام در اکثر روایات که به نمونه هایی از آنها اشاره خواهیم کرد ، این گونه استفاده میشود .

2 -

روایتی مرحوم مجلسی (رحمه الله) در بحار الأنوار از علی بن فاضل نقل کرده است ، که در آن به مکان و جزیره‌های اشاره شده که نسل و فرزندان آن حضرت ، زیر نظر وی جامعه نمونه اسلامی تشکیل داده و برای خود حکومت دارند ([28]) این مکان است ، و هر کس نمیتواند به آنجا برود ، و دسترسی برای عموم مردم

تمسک به این روایت نیز نمیتواند اثبات کند که آن حضرت ازدواج کرده و در نتیجه فرزندی دارد و لازمه آن نیز زندگی در مکان خاص است ، زیرا اولاً: از نوع بیان روایت به دست میآید که این روایت اعتبار قابل ملاحظه‌ای در نزد مرحوم مجلسی (رحمه الله) نداشته است ، زیرا میگوید :

چون»

این حدیث را در کتابهای معتبر نیافتم آن را به طور مستقل و جدا میآورم» [29]

ثانیاً این داستان با وجود تناقضات فراوان و سخنان بیاساس و نیز مجهول بودن عده‌های از روات آن ، قابل استناد نیست ، حتی بعضی از محققین با بررسی‌های گسترده‌ای که انجام داده‌اند ، معتقدند جزیره خضراء افسانه‌ای بیش نیست و واقعیت ندارد [30] .

و برخی همچون آقابزرگ تهرانی میگویند: این داستان تخیلی است [31] .

3 -

روایتی که ابن طاووس از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده است. که فرمود: «اللهم صلّ علی ولاة عهده والأئمة من ولده .

ابن طاووس میگوید: روایت فوق اینگونه نیز نقل شده «اللهم صلّ علی ولاة عهده والأئمة من بعده» [32]

این روایت نیز نمیتواند اثبات کند که آن حضرت دارای فرزند است .

زیرا با وجود دو گونه نقل معلوم نیست مقصود فرزندان بعد از آن حضرت است ، یا امامان پس از او ، بنابراین روایت مجمل است ، علاوه این دو روایت ناظر به پس از ظهور حضرت است نه پیش از آن .

هـ صاحب کتاب الشموس المضيئة پس از نقل هفت روایت در باره اقامتگاه و خانواده داشتن آن حضرت که بعضی از آن را آورده‌ایم ، چنین نتیجه میگیرد. «از مجموع این روایات معلوم می شود که حضرت حجّت (علیه السلام) خانواده و اقامتگاه دارد ، هر چند که جزئیات آن را نمیدانیم» [33]

سپس اضافه میکند که داستان جزیره خضراء به نقل از مرحوم علامه مجلسی (رحمه الله) و داستانی قریب به آن در اثبات الهداة با این قید که شیعیان آن جزیره از تمام مردم دنیا تعداد شان بیشتر است و هر يك از فرزندان امام (علیه السلام) در آن جزیرهها حکومتی دارند ، چنین آورده است: «با توجه به عمر طولانی و مبارک ایشان ممکن است آن حضرت همسر و فرزندان متعددی داشته باشد که بعضی مرده و برخی زنده اند .

بنابراین ، آن حضرت فرزندان و نوادگان زیادی خواهد داشت که شمارش آنها به سادگی ممکن نیست [34]

با عنایت و دقت در مطالب کتاب مذکور توجه به چند نکته ضروری است :

اولاً :

نمیتوان به آن هفت روایت در اثبات ازدواج آن حضرت و در نتیجه وجود فرزندان و داشتن اقامتگاه استناد کرد ، چرا که برخی از آن روایات همان روایاتی است که قبلاً به آنها اشاره شد [35] .

و برخی دیگر گویای وجود همسر و فرزند برای آن حضرت نیست. و بعضی دیگر با خفای شخصی و عدم اطلاع از مکان او سازگاری ندارد .

ثانیاً :

فرزندان بیشمار آن حضرت با فلسفه غیبت منافات دارد ، زیرا ممکن است فرزندان در صدد تشخیص هویت خود برآیند ، و خواهان دانستن حسب و نسب خود باشند [36] .

ثالثاً :

ممکن است شیعیان آن جزیره (بنابر نقلهادشوی از تقام طرابلس بالهداة (بیشتر و نقشهررداری در شناسایی نقاط این کره خاکی چیزی را از قلم نینداخته است ، و امروزه جایی وجود ندارد که ناشناخته باشد ، حتی مثلث برمودا ، کاملاً [38] شناخته شده و (خواص مغناطیسی) آشکار گشته و تعداد زیادی به آن گزارشهای متعددی ارائه کردهاند. بنابراین معقول نیست که جمعیتی چند میلیاردی بیش از جمعیت فعلی جهان در مکانی زندگی کنند و کسی هم از آنها هیچگونه اطلاعی نداشته باشد [39] .

به هر جهت اینگونه مطالب نمیتواند دلیلی قاطع بر اثبات ازدواج و در نتیجه فرزندان و مکان اقامت خاصی برای آن حضرت باشد .

یـ برخی ممکن است برای اثبات ازدواج و فرزند داشتن حضرت مهدی (علیه السلام) به کنیه مشهور آن حضرت یعنی «أبا صالح» استدلال کنند ، و بگویند این کنیه به معنای پدر صالح است. و این دلالت بر وجود فرزندی بنام صالح برای آن حضرت دارد .

این نیز سخن درستی نیست زیرا :

اولاً :

جستجو و تفحص در میان کنیههای نقل شده برای حضرت مهدی (علیه السلام) در کتابهای معتبر ، چنین کنیههای نقل نشده است ، بلکه به نظر میرسد این کنیه بر اثر کثرت استعمال در میان مردم ، معروف شده است ، و در بعضی از مجلات کتابها (که [40] در) پاسخ از

مطالبی گفته شده است ، بیشتر جنبه های
با احتمالاتی بدون ذکر سند و دلیل در نظر گرفته شده است ، مثلاً: گفته شده است که این کنیه ممکن است از
آیه شریفه (وَكَفَدُ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ كَرَفُوهَا بِنَبِيِّهِ النَّصْرَ الْحَوْنِ)^[42] .

و یا میگویند: چه مانعی دارد که ما به آن حضرت بگوئیم ابا صالح یعنی پدر تمام نیکبها و خوبیها؟

و ممکن است برخی استدلال کنند به احادیثی که در آنها واژه ابا صالح و صالح بکار رفته است .

مرحوم مجلسی (رحمه الله) نیز در این رابطه داستانی در بحار الأنوار نقل کرده است ، در حالیکه با رجوع
به آن احادیث و دقت در آنها معلوم میگردد ، صالح یا ابا صالح نام جنی است که مأموریت دارد تا اشخاص
گمشده را هدایت و راهنمایی کند .

در کتاب من لا یحضره الفقیه چنانچه آمده علیست «السلام : (فرم
گم کردی صدا بزنی یا صالح! یا بگو: ی
ما نشان دهید ، خداوند شما را رحمت کند »^[43]!

اما مرحوم مجلسی (رحمه الله) در حکایات و داستانهای اشخاصی که امام زمان (علیه السلام) را دیدهاند
«قضیهایی را از پدرش نقل میکند و او نیز از شخصی بنام امیر اسحاق استرآبادی که چهل مرتبه با پای پیاده به
حج مشرف شده بود نقل میکند که در یکی از سفرهایش قافله را گم کرد و متحیر با حالت عطش و بیآبی
مانده بود ، سپس صدا زد یا صالح یا ابا صالح ما را راهنمایی بفرما ، ناگاه شخص سوارهای را از دور دید که
آمد و او را راهنمایی کرد و به قافلهاش رساند ، وی میگوید: پس از آن قضیه من متوجه شدم که او حضرت
مهدی (علیه السلام) بوده است»^[44] .

روشن است که این قضیه ارزش علمی و استدلالی ندارد ، و صرفاً داستانی بیش نیست ، زیرا معلوم نیست
که شخص مورد نظر واقعاً امام (علیه السلام) را دیده باشد .

ثانیاً :

با

توجه به معانی مختلف کلمه «أب» در لغت عرب که تنها به معنای پدر نیست ، بلکه به معنای صاحب و
غیر آن نیز آمده است (،^[45] و) همچنین در

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است که فرمود:
پدران این امتیم» ، می توان استفاده نمود که مقصود از این کنیه معنای پدر فرزندی به نام صالح نیست ، بلکه
ابا صالح یعنی کسی که افراد صالح و شایسته در اختیار دارد .

و نیز ممکن است کنیه ابا صالح بدین جهت باشد که امام زمان (علیه السلام) پدر و مجری اصلاح جامعه است
، یعنی او تنها کسی است که به اذن خدا جامعه بشری را اصلاح خواهد نمود .

بنابراین با عنایت به مطالب فوق و احتمالات متعدّد ، نمیتوان از این کنیه بر ازدواج و داشتن فرزند برای آن
حضرت استفاده کرد .

پس دلیل دوم قائلین به ازدواج آن حضرت که روایات است مخدوش می شود ، و جایی برای استفاده و استدلال
به آن باقی نمی ماند ، لذا نمیتوانیم به آن روایات تمسک کنیم .

اما دليل اول که براي ازدواج آن حضرت به استحباب شرعي ازدواج ، و سنت بودن آن استدلال شده بود ، دليل محکم و قابل قبولي است ، چون مقتضي موجود است ، اگر چه زمان استتاج هنوز نرسیده ، و زود است تا قضاوت قطعي بشود ، چرا که بايد دیدگاه مقابل را نیز بررسی کرد و از نبودن مانع و يا وجود امري مهمتر از ازدواج نیز مطمئن شد .

آيا ازدواج امام (عليه السلام) با فلسفه غيبت سازگاري دارد؟

- نظريه : دوّم : برخي معتقدند که اساساً آن حضرت ازدواج نکرده است .

و تنها دليل آنان اين است که :

ازدواج امام (عليه السلام) با فلسفه غيبت سازگاري ندارد ، زیرا لازمه ازدواج داشتن همسر و فرزند است ، و اين امر باعث ميشود که حضرت شناخته شده و اسرارش فاش شود .

و از سوي ديگر غيبت به معنای خفای شخص است ، يعني ناشناس بودن نه نامرئي بودن ، در حالي که با ازدواج کردن شناخته ميشود ، و حد اقل شناخته شدن شناسايي وي توسط همسرش ميباشد .

اما فلسفه غيبت بنا بر آنچه در روايات آمده است خوف از کشته شدن است ، امام صادق (عليه السلام) درباره آن حضرت ميفرمايد: «براي غلام (مهدي (عليه السلام)) غيبتی است قبل از اين که قيام کند ، شخصي پرسيد: براي چه؟ فرمود: ميترسد. سپس با دست مبارکش به شکمش اشاره کرد»^[46].

مقصود امام صادق (عليه السلام) از اين حرکت احتمال کشته شدن آن حضرت است ، و همچنين از امام سجّاد (عليه السلام) نقل شده است که فرمود: «در قائم ما سنتهايي از پيامبران گذشته وجود دارد... و سنتي که از موسي (عليه السلام) در او هست ، خوف و غيبت است»^[47].

بنابراين ، فلسفهي غيبت ، دوري و پنهان بودن از مردم است تا اينکه صدمه و گزندي به او نرسد ، و از شر دشمنان در امان بوده و هر چيزي که خلاف آن باشد ، بر آن حضرت روا نيست ، و ازدواج با اين امر و فلسفه منافات دارد .

در نتيجه ميتوان گفت: ازدواج کردن امري است مستحب و پسندیده و مهمّ ، و حفظ اسرار و پنهان زيستي و حفظ جان از گزند دشمنان امري است اهمّ و مهمتر ، و هر گاه امري دائر شود بين مهمّ و اهمّ ، عقل اهم را برميگزیند .

به عبارت ديگر مصلحت اهمّ و فلسفه غيبت بيشتتر است از مصلحت ازدواج ، لذا فلسفه غيبت مانعي است براي ازدواج و ميتواند از فعليت ازدواج جلوگیری کند ، و حال که ازدواج مانع دارد ، ازدواج نکردن آن حضرت نمیتواند به عنوان اعراض از سنت تلقی شود ، چون که وي اعراض نکرده ، بلکه امر اهمّ را اختيار کرده است .

فوق ممکن است برخی در مقام جواب بگویند: پنهان زیستی و خوف آن حضرت از شدن مانع از ازدواج نمی تواند باشد، زیرا در روایات موارد دیگری نیز وجود دارند که به عنوان فلسفه غیبت شناخته میشوند، مانند:

الف

)

به

دنیا

آمدن مؤمنانی که در صلب افراد کافر هستند، درباره این مطلب امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «قائم ما اهل بیت تا تمام کسانی که (مؤمنان) در اصلاص پدران خود به ودیعت نهاده شده‌اند، خارج نشوند ظهور نخواهد کرد، و هنگامی که همه خارج شدند آن حضرت بر دشمنان خدا پیروز شده و آنها را میکشد.»

)

)

امتحان الهی: امام کاظم (علیه السلام) به برادرش علی بن جعفر فرمود: «برای صاحب این امر (امام مهدی (علیه السلام)) غیبتی است، که عده‌ای از معتقدین به وی برمیگردند، این غیبت محنت و سختی از طرف خداوند است که با آن خلقش را امتحان میکند»^[49].

)

سرّی از اسرار الهی: در روایتی از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل شده است: «صاحب این امر غیبتی دارد که گریزی از آن نیست... راوی پرسید: چرا؟ فرمود: به دلیل امری که ما اجازه بازگو کردنش را نداریم. راوی پرسید: پس حکمت غیبت او چیست؟ فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجتهای دیگر خداوند بوده است که پس از ظهورش کشف خواهد شد، موهملین (طوری که سفلایه) کاتراهای هنگامی که خداوند امر از امور خداوند و از اسرار الهی و غیبی از غیبهای خداست»^[50].

با توجه به موارد مذکور، و موارد دیگری که به عنوان فلسفه غیبت شمرده شده است، نمیتوان فلسفه غیبت را فقط در خوف از کشته شدن دانست که با ازدواج آن حضرت منافات داشته باشد، شهید سید محمد صدر در این رابطه مینویسد: «اگر بپذیریم که غیبت آن حضرت به معنای مخفی شدن شخص وی است بدین معنا که جسم مبارک او از دیده‌ها مخفی شده و با اینکه میان انبوه جمعیت بوده و آنها را میبیند اما آنها او را نمیبینند، در این صورت باید گفت آن حضرت ازدواج نکرده و تا زمان ظهور مجرد خواهد بود.»

و این مسأله هیچ بعدی هم ندارد زیرا هر چیزی که با غیبت در تضاد باشد و آن حضرت را با خطر مواجه کند بر وی جایز نیست، چرا که ازدواج باعث کشف شدن امر آن حضرت میگردد.

علاوه بر آن برای ازدواج لزوماً باید آن حضرت ظاهر شده و در معرض دید مردم قرار گیرد، و این همان چیزی است که باید از آن اجتناب کند.

و این فرض که فقط برای همسر خود آشکار شود، اگر چه عقلاً ممکن است ولی فرض آن بسیار بعید است بلکه فرض باطلی است، زیرا چنین زنی با خصوصیات خاص به طوری که امام (علیه السلام) هویت واقعی خود را از او مخفی نکند، و هیچ خطری هم از ناحیهی او متوجه امام (علیه السلام) نباشد، چنین زنی بین زنان عالم یافت نمیشود، چه رسد به اینکه بگوییم در هر عصری چنین زنی وجود دارد.

اما اگر غیبت را به معنای پنهان بودن و پوشیدگی عنوان آن حضرت بدانیم بدین معنا که او به صورت ناشناس

در بین مردم زندگی میکند ، در این صورت هیچ اصطلاحی با ازدواج ندارد و از آسانترین کارهاست ، زیرا ازدواج به صورت ناشناس صورت گرفته و همسر وی نیز در طول عمر خود بر هویت واقعی او آگاه نخواهد شد ، و اگر به علت عدم مشاهده پیری در چهره‌ی آن حضرت به هویت وی گمانی برد ، حضرت او را طلاق داده و یا در شهری دیگر ، دور جدیدی از زندگی خود را آغاز کرده و دوباره ازدواج میکند .

سپس شهید صدر میگوید: «حال که ثابت شد که ازدواج آن حضرت در عصر غیبت ممکن است ، امکان دارد بگوئیم این امر تحقق یافته است ، چون مهدی (علیه السلام) به تبعیت از سنت اسلامی سزاوارتر است ، خصوصاً اگر معتقد شدیم که معصوم تا جایی که ممکن است به مستحبات عمل کرده و مکروهات را ترک می کند .

بنابراین التزام به این که ازدواج وی در عصر غیبت ممکن است در اعتقاد به آنکافی^[51] است»

با عنایت و دقت در دلیل قائلین به ازدواج نکردن آن حضرت و جواب مذکور ، و کلام شهید سید محمد صدر نکاتی قابل تأمل است. از جمله :

1

مواردی که به عنوان فلسفه غیبت از روایات قابل استفاده است که به چند نمونه‌ی آن اشاره شد ، در عرض یکدیگر نیستند ، به این معنا که اگر غیبت برای امتحان باشد ، دیگر مسأله‌ی خوف و ترس از کشته شدن در آن نیست. بلکه اینها در طول یکدیگرند ، لذا نمیتوان با بیان موارد دیگر فلسفه غیبت قائل به ازدواج امام (علیه السلام) شد. چون در عین این که غیبت برای ترس از کشته شدن است ، برای امتحان کردن بندگان و معتقدین به آن حضرت نیز میباشد ، که این هم جای استبعاد ندارد ، به عبارت دیگر فرضیه ترس از کشته شدن در تمام موارد دیگر نیز جاری است .

2

سخن

شهید صدر در معنای غیبت به دو صورت ناشناسی (مردم او را میبینند ولی نمیشناسند) و ناپیدایی (جسم و شخص او دیده نمیشود) و بنا کردن مسأله‌ی ازدواج را بر ناشناسی ، سخن جامع و فراگیری نیست ، چون نمیتوانیم به ناشناسی به تنهایی و یا به ناپیدایی آن حضرت قطع پیدا کنیم ، چرا که ممکن است آن حضرت گاهی ناشناس باشد و گاهی ناپیدا ، همانطور که این برداشت از روایات نیز قابل استفاده است^[52] .

3

شهید صدر معتقد است زنی که لیاقت و شایستگی و به اصطلاح هم کفو آن حضرت باشد در عالم وجود ندارد ، صدور این سخن از ایشان جای تعجب است ، چرا که زنان شایسته و بایسته با فضائل اخلاقی و معنوی بالا در هر دوره‌ی وجود داشته و هست ، زنانی همچون حضرت مریم (علیها السلام) و آسیه همسر فرعون که در قرآن کریم الگویی دیگران شمرده شده‌اند مانند حضرت^[53] خدیجه و آله هستند ، و از سوی دیگر در روایات وارده در شأن و خصوصیات اصحاب و یاران خاص امام زمان (علیه السلام) آمده است که پنجاه نفر آنان زن میباشند^[54] .

آیا اینگونه زنان که لیاقت واقع شدن در زمره اصحاب خاص را دارند ، و محرم خیلی از اسرار هستند ، لیاقت همسری آن حضرت را ندارند؟ چه مانعی دارد که امام (علیه السلام) از میان آنان زنی را به همسری برگزیند؟

نظر میرسد که ازدواج آن حضرت به صورت ناپیدایی امری ممکن باشد برخلاف شهید صدر که آن را غیر ممکن میداند ، زیرا ناپیدایی امری همیشگی برای امام (علیه السلام) نیست ، و از سوی دیگر همانطور که برای همراهان و خواصّ غائب نیست برای همسر^[55] خود نیز نباشد .

- نتیجه گیری : کسانی که می گویند حضرت مهدی (علیه السلام) ازدواج نکرده است ، تنها دلیلشان فلسفه غیبت است که آنهم ترس از کشته شدن و افشاء سرّ امام است .

ولی با توجه به موارد دیگر در فلسفه غیبت که در طول یکدیگر بودند نه در عرض ، این امر نمیتواند مانع ازدواج آن حضرت باشد ، گرچه در این بحث فقط به عدم اثبات مانع پرداخته شده است. چون اثبات عدم المانع نیاز به اطلاعاتی کافی و جامع و احاطه کامل بر زندگی شخصی آن حضرت دارد ، و این نیز در حدّ توان ما نیست .

از سوی دیگر در مباحث تحقیقی و علمی نیاز به دلیل داریم ، و براساس مدارک و ظواهر به نتیجه میرسیم ، بنابراین ، گرچه با وجود این گونه مدارک ، ازدواج آن حضرت امری ممکن است ، ولی نمیتوانیم با قطع و یقین به آن حکم کنیم ، همانطور که نمیتوانیم به عدم ازدواج قطع پیدا کنیم .

آیا سکوت بهتر نیست؟

- نظریه سوم گروهی : دیگر می گویند نباید به اینگونه مباحث پرداخت و نهایتاً باید توقف کرد ، و در جواب این نوع سؤال کلمه «نمیدانم» و «نمیدانیم» را بر زبان جاری می کنند ، چرا که اصل ازدواج یا عدم ازدواج حضرت جزء اعتقادات ما نیست ، زیرا در مباحث اعتقادی ما نیامده است که باید معتقد شویم به امام زمانی که ازدواج کرده یا نکرده است ، این نوع موضوعات از مسائل شخصی است که معمولاً در روایات نیامده و کسی هم به آن نپرداخته است ، حتّی امام عسکری (علیه السلام) نیز در رابطه با ازدواج فرزندش چیزی نفرموده است .

نگاه اجمالی به تاریخ غیبت صغری و کبری حاکی از وجود نداشتن چنین مسائلی است ، و حتّی کسانی که توفیق لیاقت ملاقات با آن حضرت را یافته اند ، هیچگونه سؤالی درباره ازدواج آن حضرت از آنها صادر نشده است ، و غالباً به دلیل مشکلات فراوان یا نیازهای مادی و معنوی و یا پرسیدن مسائل علمی از این گونه سؤالات غافل بوده اند ، گرچه اساساً سؤال نکردن از ازدواج طبیعی است چرا که خیلی اوقات پیش می آید که سالها با اشخاص و دوستان زیادی آشنا هستیم ولی لزومی نمیبینیم که از زندگی شخصی او سؤال کنیم ، مثلاً بگویم آیا همسر دارید؟ اگر دارید دختر چه کسی است؟ آیا فرزند دارید؟ جنسیت آنها چیست؟ و... لذا اساساً لزومی ندارد که از این گونه امور مطلع شویم و این مسائل در زندگی ما نیز هیچ تأثیری ندارد ، و به دلیل اطلاع نداشتن مورد مؤاخذه قرار نمیگیریم .

- نقد و بررسی :

درست است که اینگونه مسائل جنبه شخصی دارند ، و دانستن یا ندانستن آن تأثیری در زندگی ما ندارد ، ولی امامان ما مانند انسانهای عادی نبوده اند که بی تفاوت از کنارشان بگذریم ، زیرا آنها هادیان و رهبران دینی و اجتماعی مردم هستند که طبق نصوص متعدّد از آیات و روایات ، دارای مقام عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه می باشند .

لذا دوستان و شیعیان آن حضرت دوست دارند سیره و روش آن امام را در مسائل خانوادگی و شخصی نیز بدانند و به ابهامات و یا سؤالات احتمالی ذهن خویش پاسخی مناسب بدهند. و این مسأله مختص به امام مهدی (علیه السلام) نیست، همانطور که هنوز عده‌های میپرسند: چرا امام حسن مجتبی (علیه السلام) با جده ازدواج کرد؟ یا چرا امام جواد (علیه السلام) با امّ الفضل دختر مأمون یعنی کسی که قاتل پدرش بود ازدواج کرد؟ آیا از آنها فرزندی باقی ماند؟ و... امام عصر (علیه السلام) نیز از این قاعده مستثنی نیست، بلکه قضیه برعکس است، و حساسیت در امام زمان (علیه السلام) که مهدی موعود است، و قیام خواهد کرد، و حکومت جهانی را تشکیل خواهد داد، و... بیشتر است.

بنابراین، اساس بحث از زندگانی شخص آن امام مانعی ندارد، گرچه به علت موقعیت استثنایی وی که همان در غیبت به سربردن باشد، ما اطلاع چندانی نداریم. و ناچاریم به همان مقدار از ادله و ظواهر و عمومات اکتفاء کنیم.

یاد آوری يك نکته :

لازم به یاد آوری است که بحث اصلی ما ازدواج امام زمان (علیه السلام) است، که مطالب مذکور پیرامون همین عنوان است. ولی از مباحثی پیرامون فرزندان و ویژگیهای همسر آن حضرت که لازمه ازدواج است خودداری کردیم، و سعی بر این بود که به مقدار نیاز اکتفاء، و از زیاده گویی پرهیز نمایم.

نتیجه گیری کلی :

دلایل نظریه اول (قائلین به ازدواج آن حضرت) یا مخدوش است و رسا نیست و یا غالباً ناظر به زمان ظهور آن حضرت است، و از بیان ازدواج وی در زمان غیبت ساکت است.

و دلایل نظریه دوم (قائلین به ازدواج نکردن آن حضرت) که فلسفه غیبت یعنی ترس از کشته شدن بود با احتمالات و ذکر موارد دیگر فلسفه غیبت و این که آن موارد در طول یکدیگرند، نتوانست مدّعی خود را به طور کامل ثابت کند. و دلیل نظریه سوم (قائلین به توقّف) که عدم اعتقادی بودن موضوع و عدم اطلاع از مسائل شخص آن حضرت بود، با سیر تحقیقات علمی و اشتیاق شیعیان بر اطلاع از این مسائل و پیدا کردن جوابی برای سؤالات و ابهامات ذهنی خود، سازگار نبود.

بنابراین، با توجه به عمومات در استحباب ازدواج و مکروه بودن عزوبت و ترك آن در هر حالی و مانع نبودن فلسفه غیبت، میتوان نتیجه گرفت که وی ازدواج کرده است، و لازم نیست که این امر باعث افشاء سرّ آن حضرت شود، و با فلسفه غیبت منافات داشته باشد، بلکه همسر وی میتواند زنی پاکدامن و خودساخته همچون یاران خاصّ و یا ابدال آن حضرت باشد.

و همچنین لازم نیست که این ازدواج، از نوع دائم آن باشد بلکه با ازدواج موقت (غیر دائم) نیز میتواند به امر مستحب عمل کند، همانطور که لازم نیست حتماً عمر همسر وی مانند عمر خود آن حضرت طولانی باشد.

و نیز لازمه ازدواج، داشتن فرزند هم نیست که سؤال شود فرزندان در کجا زندگی میکنند؟ بلکه ممکن است ازدواج کرده باشد ولی دارای فرزند هم نباشد، و نداشتن فرزند نیز برای آن حضرت نقص نیست، چرا که وی میتواند صاحب فرزند شود ولی به دلیل انجام مأموریت الهی و حفظ خود از شناسایی دیگران، میتواند با

پس اگر چه دلیل محکم و قاطعی بر ازدواج آن حضرت در اختیار نداریم ، ولی مانعی هم برای ازدواج نمی بینیم ، لذا با شواهد و قرائن و عمومات ادله استحباب ازدواج میتوانیم معتقد شویم ، که آن حضرت ازدواج کرده است .

والله اعلم .

کتابنامه :

- 1 مجلسی ، محمدباقر ، بحار الأنوار ، مؤسسه الوفاء ، بیروت / 1404 .
- نوری 2 طبرسی ، میرزا حسین ، نجم الثاقب ، انتشارات مسجد جمکران ، چ دوم / 77 .
- 3 سعادتپور ، علی ، الشموس المضيئة ، نشر احیاء کتاب ، چ اول / 80 ، مترجم: سید محمدجواد وزیری .
- حرّ 4 عاملی ، محمد بن الحسن ، وسایل الشیعه ، مؤسسه آل البيت ، قم / 1409 .
- مکی 5 عاملی ، محمد بن جمال ، اللمعة الدمشقیة ، 10 جلدی ، دار العالم الاسلامی بیروت .
- نجفی 6 ، محمد حسن ، جواهر الکلام .
- 7 طباطبایی یزدی ، محمدکاظم ، عروة الوثقی .
- 8 طباطبایی ، محمد حسین ، شیعه در اسلام ، انتشارات جامعه مدرسین ، چ دوازدهم / 76 .
- 9 نعمانی ، ابن ابی زینب ، الغیبة ، انتشارات صدوق .
- 10 رضوانی ، علی اصغر ، موعودشناسی ، انتشارات مسجد جمکران ، چ اول / 84 .

- 11
سید
ابن طاووس ، جمال الاسبوع ، انتشارات رضي ، قم .
- 12
حرّ
عاملي ، محمّد بن الحسن ، اثبات الهداة ، 3 جلدی ، مكتبة العلمية قم .
- 13
عاملي
، جعفر مرتضي ، دراسة في علامات الظهور والجزيرة الخضراء ، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي قم
ترجمه محمّد سپهری .
- 14
تهراني
، آغابزرگ ، الذريعة إلى تصانيف الشيعة ، دار الاضواء ، بيروت .
- 15
قمي
عباس ، مفاتيح الجنان ، ناشران قم ، چ أول .
- 16
باقي
محمد رضا ، مجالس حضرت مهدي (عليه السلام) ، نشر صدر ، چ أول / 78 .
- 17
طوسي
، محمّد بن حسن ، الغيبة ، انتشارات بصيرتي ، چ دوم .
- 18
صدوق
، محمّد بن عليّ ، كمال الدين ، نشر اسلامي 2 جلدی .
- 19
صدوق
محمّد بن عليّ علل الشرايع ، دار احياء التراث العربي ، چ دوم .
- 20
صدر
سید محمّد ، تاريخ الغيبة الكبرى ، دار التعارف سوریه .
- 21
عياشي
، محمّد بن مسعود ، تفسر القرآن ، نشر علميه قم .
- 22
كليني
محمّد بن يعقوب ، اصول كافي ، دار التعارف ، لبنان .
- 23
افتخارزاده ، سید حسن ، گفتارهاي پيرامون امام زمان (عليه السلام) ، نشر شفق ، چ چهارم / 79 .

ابن طاووس ، الامان ، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) ، قم / 1409 هـ .

صدوق ، من لا يحضره الفقيه ، انتشارات جامعه مدرسين ، 4 جلدي ، 1413 هـ .

إبراهيم بن عليّ ، كفعمي ، المصباح ، انتشارات رضي ، قم / 1405 هـ .

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقيقاتي حضرت ولي عصر (عج)